



GILLETTE MIND

Ferdinando Frega — Nando the Scribe

ذهن GILLETTE

THE SYSTEM · 01

این پست همیشگی نیست، آن پیام همیشگی که آدم نیاز می‌بیند به جهان بفرستد. این یکی از آن لحظه‌هایی است که در زندگی آدم نقش می‌بندد.

وقتی برای نخستین بار نوشتن را آغاز کردم فقط 3 سالم بود. هنوز نمی‌توانستم خودکار یا مداد را مهار کنم، اما نخستین چیزی که توانستم بکشم یک مثلث بود.

پدرم شگفت‌زده شد. مادرم آن را به حساب تصادف گذاشت — وادارم کرد دوباره امتحان کنم، و هر بار کوچک‌تر درمی‌آمد، اما همیشه مثلث.

در بزرگ شدنم هیچ‌کس هرگز برایم توضیح نداد که چه معنایی دارد. تا روزی که، در یک مدرسهٔ شبانه‌روزی کاتولیک، فهمیدم که درونش دعایی زندگی می‌کند: به نام پدر، پسر و روح‌القدس.

کمال بود — و هست. جمع دو یا چند مثلث مربعی می‌سازد، و این تصور که مربع شکل هندسی کامل است در یک آن فرو ریخت، بی‌هیچ سایه‌ای از تردید.

و پس از این همه سال در Gillette، هیچ‌کس در هیچ جلسه‌ای هرگز نگفت: بیا بید مسئله را مربع کنیم. آنچه به جایش می‌شنیدی — و درست هم بود — این بود: بیا بید وضعیت را مثلث‌بندی کنیم، نقاط ضعف را شناسایی کنیم، نقاط قوت را، و آن‌هایی را که ارزش بهتر شدن دارند.

امروز مثلث من پایان حماسهٔ Gillette است. نه چون هدف، نه چون برنامه — بلکه چون غریزهٔ نوشتن و چون کنشی یگانه از احترامی ژرف.

به همهٔ کسانی که برای خواندن خواهند آمد: دوزهای کم. هرگز همه‌چیز یک‌جا. وگرنه ذهن خوب پالایش نمی‌کند.

سفر خوشی داشته باشید.

خوش آمدید.

Nando